



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

ناصر اوریا

یکشنبه ۰۳ دسمبر ۲۰۲۳

به یادبود یکی دیگر از قهرمانان ملی واقعی افغانستان

با تأسف کارنامه های ضد ملی و ضد مردمی تمام بدکاران بدون استثنا (چپ، راست و وسط) از هفت ثور سال ۱۳۵۷ هجری شمسی تا امروز، روی همه بدکاران گذشته تاریخ را سپید ساخت. جنایات و چپاول دارایی های مادی و معنوی ملت و تجاوز به نوامیس ملی و کشتار مردم بیگناه که در بیشتر از چهاردهه اخیر توسط این ارازل و اوباش صورت گرفته، شاید در طول تاریخ منقول و مکتوب این مرز و بوم رخ نداده باشد. به همین دلایل مردم حتی مقابل بعضی اصطلاحات: مثل "قهرمان" که یک کلمه زیباست، ولی از جنایاتی که از دست گماشتگان بیگانه تحت چنین نام ها دیده اند، این کلمات در ذهن مردم منفور گشته و برای آنها یک معنی منفی را تداعی می نماید که در واقع این کلمات زیباست ولو آن موجودات نازیبا اند و بودند .

مؤرخ، نویسنده و خوشنویس افغان، ملا فیض محمد کاتب، پسر سعید محمد، در سال ۱۸۶۲ میلادی در قره باغ ولایت غزنی چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۳۱ میلادی در کابل وفات یافت و در بالا جوی چنداول به خاک سپرده شد.

ملا فیض محمد کاتب، ستر او نومیالی افغان مؤرخ، لیکوال او خطاط، د سعید محمد زوی چی په ۱۸۶۲ میلادی کال کبني د غزني ولایت قره باغ سیمه کی نړی ته سترگی پرانستی. د کاتب لیکنی د افغانستان د تاریخ د سترو او ارزبناله پانگو له جملی گڼل کیږی. ژوند یی له لوړو ژورو پک وه. فیض محمد کاتب په ۱۹۳۱ میلادی کال کبني په کابل ولایت کی له نړی سترگی پتی کړی او د کابل په چندولو کی خاورو ته وسپارل بنو.

روح دی بناد، یاد دی تل پاتی او جنت دی خای وی.

معلومات بیشتر:

فیض محمد کاتب تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش، غزنی فرا گرفت و سپس غرض کسب دانش علوم دینی به نجف عراق و ایران رفت. از آنجا به هند بریتانوی رفته و در شهرهای لاهور و پیشاور به تحصیل پرداخت.

مدتی هم در قندهار نزد علمای اهل سنت به آموزش علم مصروف شد. کاتب در صفحه ۱۱۴۹ سراج التواریخ از مولوی محمد سرورخان اسحاق زایی به نیکی یاد میکند، زیرا کاتب نزد او درس خوانده است.

ملا محمد سرور اسحاق زایی این درایت و استعداد را در کاتب دیده بود که سفارش شمول او را به عضویت دارالانشا و مجلس تألیف نمود. در مورد شمولیتش به وظیفه دفتر خاص به سال ۱۳۱۰ هجری شمسی، او بیان می دارد که بنا به تعریف و پیشنهاد ملا محمد سرور اسحاق زایی به این ماموریت گماشته شد.

در سفر به کشورهای عراق، ایران و هند تلاش کرد با کلتور و فرهنگ ملت های مذکور آشنا شود. وی علاوه از زبان دری و پشتو، به زبان های عربی، انگلیسی و اردو آشنایی داشت. پس از عودت به وطن، در کابل سکنی گزید و به نویسندگی پرداخت. در زمان حیات پربارش آثار گرانبهایی نوشت.

پوهاند عبدالحی حبیبی که شرح حال اشخاص مهم مشروطه خواهان را جمع آوری نموده است، پنج صفحه کتابش را به صحبت در باره ملا فیض محمد کاتب و خدمات او اختصاص داده است. پوهاند حبیبی می نویسد :

"مؤلف سراج التواریخ که نویسنده فاضل و ادیب روشنفکر و از جمله مشروط خواهان اول بود و در (شیرپور) محبوس گردید، اما به سبب این که امیر حبیب الله خان او را از دوران شهزادگی می شناخت و در نگارش سراج التواریخ خدمت می کرد بعد از مدت کمی رها شد."

جنبش مشروطه خواهان که در طول تاریخ سیاسی افغانستان يك جنبش مترقی و خوش نام در تاریخ کشور است و به نام "جنبش مشروطیت اول" شهرت دارد، که گروهی از روحانیون آگاه و دانشمندان روشنفکر افغان این جنبش را اساس گذاشتند و در يك سازمان سری به فعالیت پرداختند. هدف شان این بود تا رژیم استبدادی را متحول نموده و بدیل آنرا حکومت قانون، دموکراسی و آزادی در کشور قرار دهند، که در راس این جنبش روحانی آزاده مولوی محمد سرورخان الکوزایی مشهور به سرور واصف بود.

استاد عبدالحی حبیبی، از قول میرقاسم خان چنین می نویسد: "مولوی محمد سرور خان قندهاری الکوزی متخلص به واصف، قبل از تأسیس مکتب حبیبیه، صاحب مفکوره های مترقی بوده، در حلقه های دوستان نزدیک خود، در زمینه مشروطیت شب ها به بحث می پرداخت.

روی همین مفکوره و آگاهی بود که در سال ۱۹۰۵م مولوی محمدسرور با شماری از معلمان مکتب حبیبیه و معلمان مدرسه شاهی، پیشنهاد تأسیس انجمنی از دانشمندان افغان را نمودند، تا جریده یی را بنام سراج الاخبار افغانستان در کابل نشر نمایند. انجمن تحت ریاست مولوی عبدالرووف خاکی، ایجاد شد که مولوی محمد سرور در آن انجمن محرر یا منشی بود.

میر غلام محمد غبار از قول میرقاسم خان، می نویسد :

"مرحوم واصف اولین قافله سالاری بود که کاروان مشروطه خواهی را با قیمت حیات خود به راه انداخت. وقتی عضوی را تازه می پذیرفتند، قرآن شریف را در میان می گذاشتند که در بالای آن شمشیر و قلم گذاشته شده بود و تازه وارد را به آن سوگند می دادند." ملا فیض محمد نیز از جمله اعضای این جنبش ملی بود.

پس از مرگ امیر حبیب الله خان در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی، به وظیفه کاتب در دارالانشا و مجلس تألیف خاتمه داده شد و به دارالتالیف منتقل گردید که به این ترتیب ماموریت های دیگری نیز به کاتب محول گردید. وقتی وظیفه کاتب از دارالانشا به دارالتالیف انتقال داده شد او در تهیه و تنظیم کتاب های درسی سعی لازم و ارزشمند به خرج داد.

کاتب در زمان امان الله خان برای مدتی در مکتب حبیبیه به حیث معلم نیز مقرر گردید.

پس از زوال حکومت امان الله خان، حبیب الله کلکانی قدرت را به چنگ آورد.

حبیب الله کلکانی فیض محمد کاتب را در ترکیب هیئتی برای گرفتن بیعت به مناطق هزاره نشین فرستاد، ولی این هیئت بدون نتیجه مشخصی به کابل برگشت. برخی به حبیب الله کلکانی راپور دادند و فیض محمد کاتب را متهم نمودند که وی نه تنها مردم را دعوت به بیعت با وی نکرده، بلکه آنها را به قیام علیه وی تحریک نموده است.

میر غلام محمد غبار در کتابش (افغانستان در مسیر تاریخ) در صفحه ۸۳۰ می نویسد: "حکومت بچه سقو هیئتی به هزاره جات فرستاد که مرکب بود از ملا فیض محمد مورخ، محمد عظیم کوهستانی، میرآقا مجتهد و خلیفه غلام حسن خان، مدافع اونی میر فتح خان اینها را محبوساً از کوتل اونی به نزد محمد امین خان (برادر امان الله خان) فرستاد و مردم دعوت هیأت مذکور را رد نمود، خودشان را از راه وردک به کابل رجعت دادند. در نتیجه همین رفت و آمد هیئت بود که بچه سقو به

ملا فیض محمد، نویسندهٔ سراج التواریخ مشتبہ گردید و او را چوب بسیار زد، وی مریض شد، برای معالجه به ایران رفت و از ایران برگشت و از دنیا رفت."

به دنبال دریافت این راپورها، حبیب الله کلکانی به فیض محمد کاتب مشکوک شده و او را مورد ضرب و شتم قرار داده و چنان لت و کوب نمود که از اثر آن شدیداً مریض شد. پس از مدتی به ایران رفت و پس از بازگشت از ایران در سال ۱۹۳۱ میلادی در کابل به سن هفتاد سالگی وفات یافت و در منطقهٔ بالا جوی چنداول کابل به خاک سپرده شد.

برخی از آثار فیض محمد کاتب چاپ شده و برخی از آثار چاپ نشده او به خط زیبای نستعلیق خود نویسنده در کتابخانه های داخل و خارج افغانستان موجود است.

از آثار مهم وی می‌توان از کتب ذیل نامبرد:

تحفة الحبيب در سه جلد در مورد وقایع سلطنت از سال ۱۲۵۸-۱۲۹۷ هجری

سراج التواریخ

فیض الامان، در این کتاب جغرافیای افغانستان و اقوام ساکن آن را شرح می دهد.

تذکره الانقلاب که در مورد اغتشاش دورهٔ امانیه بحث می کند.

تاریخ امانیه، این کتاب در دورهٔ امانیه بطور آزاد در هفت جلد نوشته شده است.

تاریخ حکمای متقدم که در سال ۱۳۰۲ به قلم خود کاتب به چاپ رسید. تنها سه جلد آن در سال

۱۳۳۱ ه.ق در مطبعه دولتی کابل چاپ شد و سه جلد دیگر آن هنوز هم قلمی است و تنها تذکره

الانقلاب به زبان روسی ترجمه و در مسکو چاپ شده است.

برخی دیگر از کتاب های این تاریخ نویس افغان تاکنون منتشر نشده است.

